

(مقاله پژوهشی)

نقد و بررسی آرای تربیتی و فلسفی ژان پل سارتر از دیدگاه فلسفه تربیتی اسلام

امیر حسین سلطانی فلاح^۱، محمد باقری دادوکلائی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۸

چکیده

هدف این پژوهش، نقد و بررسی آرای تربیتی و فلسفی ژان پل سارتر از دیدگاه فلسفه تربیتی اسلام. با توجه به ماهیت و کیفیت این پژوهش، روش پژوهش، توصیفی تحلیلی (تحلیل اسنادی) است. در این پژوهش ابتدا به اصول فلسفی سارتر و سپس به آرای تربیتی از دیدگاه سارتر و در نهایت رابطه معلم و شاگرد از دیدگاه وی پرداخته شد. در بخش بعدی نیز به اصول فلسفی فلسفه تربیتی اسلام و سپس آرای تربیتی از منظر فلسفه تربیتی اسلام و در نهایت به رابطه بین معلم و شاگرد در دیدگاه اسلامی پرداخته شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که آرای تربیتی از نظر سارتر، نسبیست گرایی، درک مفهوم آزادی، یادگیری فرد، افزایش حس مسئولیت، تربیت خلاق، فعال بودن شاگرد می‌باشد و از نظر فلسفه تربیتی اسلام اهداف تربیت پرورش تفکر، عبودیت، تقوا، قرب و رضوان، پرورش و شکوفا کردن استعداد یادگیرندگان و حیات طیبه می‌باشد. در ادامه و در پژوهش حاضر علاوه بر بررسی آرای تربیتی، به اصول و اندیشه‌های فلسفی سارتر و اسلام می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: سارتر، فلسفه تربیتی اسلام، آرای تربیتی، آرای فلسفی

^۱ دانشجوی دکترا رشته فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد: تهران. Ah.soltani.f@gmail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان: ساری. ایمیل: mohammadbagheridd19@gmail.com

مقدمه

امروزه در اغلب کشورها تعلیم و تربیت به عنوان صنعت رشد قلمداد میشود. در عصر ما قدرت و توانایی بالقوه تعلیم و تربیت جهت ترقی و پیشرفت، آشکار شده است. کشورهای که آگاهانه، تعلیم و تربیت را به خدمت گرفته اند موفق شده‌اند در رسیدن به هدف‌های خود این قدرت را بالفعل سازند و تغییرات مطلوب را در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به وجود آورند. البته هدف کلی تعلیم و تربیت در هر جامعه این است که افراد آن طبق الگو، اعتقادات، ارزش‌های فرهنگی، دینی، اجتماعی و سیاسی جامعه بار آمده، به اعضای مفید و شایسته مبدل شوند (امینی خلف لو، ۱۳۹۷). نظریه پردازان تعلیم و تربیت از دیر باز نقش تربیتی را شناخته و کوشیده‌اند تا نوع نظام اجتماعی را که بر استعداد‌های انسانی مبتنی بوده و آنها را شکوفا می‌سازد، مشخص سازند. لذا شناخت مکتب‌ها و دیدگاه‌های تربیتی بسیار مهم است (باقری دادوکلائی، ۱۴۰۰). فلسفه تربیت به مطالعه هدف‌ها، فرایند، ماهیت برنامه‌ها، عمل و نتایج تعلیم و تربیت می‌پردازد. این مطالعات می‌تواند در بافت تعلیم و تربیت به عنوان یک موسسه اجتماعی، فرهنگی یا در معنای وسیع‌تر به عنوان فرایند رشد وجودی انسانی، یعنی چگونگی تعبیر فهم آدمی از جهان (مثلاً، فهم واقعیت‌های عینی، عادات اجتماعی، تاریخ و فرهنگ و حتی عواطف ما) باشد. با کمک فلسفه تربیت می‌توان تربیت را در حیطه عمل و نظر هماهنگ و با معنا ساخت. بنابراین فلسفه تربیت معرفتی است نظری برای معرفی بنیاد‌های تربیت درست، منسجم، هماهنگ و جلوگیری از تضاد و تناقض در عمل و تربیت. (ابراهیم زاده، ۱۳۹۲: ۸۴).

با تامل در این مطالب مشخص می‌شود که برای اقدام به امر خطیر آموزش و پرورش، آگاهی از اهداف، اصول و روش‌های آن ضروری است. آگاهی از این موارد میسر نمیشود مگر با بررسی آرا و افکار فیلسوفان و مریبان بزرگ تعلیم و تربیت. نکته در خور توجه در زمینه تعلیم و تربیت این است که طرز تلقی هر متفکر یا فیلسوف در مورد ماهیت کارهای تربیتی و خاستگاه‌های آن، نتیجه‌گیری‌های ویژه‌ای در پرورش افراد به دنبال دارد (سبحانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۴). بر این اساس این پژوهش در نظر دارد تا به بررسی آرای

تربیتی فلسفه ژان پل سارتر که از مدافعان بزرگ فلسفه اگزیستانسیالیسم می‌باشد و همچنین فلسفه تربیتی اسلام، پردازد.

از میان طرفداران برجسته فلسفه اگزیستانسیالیسم، "ژان پل سارتر"، داستان‌پرداز، نمایشنامه‌نویس و فیلسوف فرانسوی است که از وجه زیبایی‌شناسی به هواداری از اگزیستانسیالیسم پرداخت. سارتر از جمله فیلسوفان فرانسوی و اگزیستانسیالیستی است که به خدا اعتقادی ندارد و منکر وجود خدا می‌باشد (شریعتمداری، ۱۳۹۲: ۲۰۸). دریافت‌های سارتر از گرفتاری‌های انسانی، ناشی از تألماتی بود که اروپا در خلال جنگ جهانی دوم است تحمل کرد، او با ابداع جمله « وجود بر ماهیت مقدم » است نظر فلسفه‌های سنتی را مبنی بر اینکه رفتار انسان بر تعریف از پیش پرداخته‌ای از ماهیت مبتنی است به چالش خواند. بر خلاف ادعای ارسطو مبنی بر اینکه انسان موجودی ماهیتاً عقلانی است که در جهانی هدفمند و با معنی زندگی میکند، سارتر ادعا میکند که هر فردی نخست وجود دارد به طور ناخوانده در صحنه گیتی حضور مییابد و سپس معنی و ماهیت خود را می‌آفریند؛ چون هیچگونه حقایق کلی، قواعد مطلق یا سرنوشت نهایی نیست که هادی انسان باشد، افراد برای انتخاب آزادی کامل دارند. این آزادی کامل مستلزم مسؤلیت کامل انسان در برابر رفتار و انتخاب‌هایش است (گوتک، ۱۳۹۹: ۱۶۱).

همانگونه که گفته شد از نظر سارتر و سایر فلاسفه اگزیستانسیالیستی وجود مقدم بر ماهیت است، پس بشر مسئول وجود خویش است. بدینگونه نخستین کوشش اگزیستانسیالیسم آن است که فرد بشری را مالک و صاحب اختیار آنچه هست قرار دهد و مسؤلیت کامل وجود او بر خود او مستقر کند. همچنین هنگامی که ما می‌گوییم بشر مسئول وجود خویش است، منظور این نیست که بگوییم آدمی مسئول فردیت خاص خود است، بلکه می‌گوییم هر فردی تمام افراد بشر است. پس از نظر سارتر افراد علاوه بر مسؤلیت در قبال خود، در برابر دیگران نیز مسئول هستند (سارتر، ۱۳۹۹: ۳۱). اندیشه‌های ژان پل سارتر و فلسفه اگزیستانسیالیسم در تمامی کشورها علی‌الخصوص کشور عزیز ما جمهوری اسلامی ایران در چند سال اخیر گسترش و نفوذ بسیاری داشته به طوری که در برخی رشته‌ها مانند ادبیات و یا هنر و سینما آثاری از این اندیشه و فلسفه به چشم

می خورد (امن خانی، ۱۳۹۲: ۱۷) و ما به عنوان یک ایرانی مسلمان باید هر مکتب یا اندیشه فلسفی که از دنیای غرب وارد کشور و فرهنگ ما می شود را بررسی کنیم و بدون واریسی آن را نپذیریم، اما معیار پذیرش و بررسی چیست؟ معیار بررسی تمامی مکتب ها و اندیشه ها علی الخصوص اندیشه های ساتر و اگزستانسیالیسم، فلسفه اسلامی می باشد. فلسفه تربیتی اسلام با فلسفه تربیتی سایر مکتبها از جهات مختلف تفاوت دارد. در یک مکتب فلسفی ما با چند اصل یا نظریه درباره واقعیت جهان، بحث شناخت و ارزش شناسی روبرو می شویم. معمولا طرفداران یک مکتب درباره مسائل تربیتی به بحث می پردازند و مجموع آراء فلسفی و اندیشه های تربیتی آنها فلسفه تربیتی مورد قبول این گروه را تشکیل می دهد. گاهی در بعضی از مکتبهای فلسفی بحثی از تعلیم و تربیت به میان نمی آید اما فیلسوفان تربیتی از اصول و مبانی یک مکتب پاره ای از نظریات تربیتی متناسب با آن مکتب را استنتاج می نمایند. اسلام یک مکتب فلسفی نیست، همانطور که نمی توان قرآن را یک کتاب روانشناسی با یک کتاب جامعه شناسی در معنای مصطلح تلقی نمود. مع ذلک قرآن، نهج البلاغه، اخبار و روایات نقل شده از پیامبر اکرم و دیگر پیشوایان معصوم مشحون از اندیشه های فلسفی و تربیتی است. در قرآن از جهان و آفریدگار آن، از انسان و ابعاد وجودی او، از سرگذشت اقوام و ملل، از ارزشهای انسانی، از مناسبات اقوام و ملل، از ارتباط انسان با خدا و جهان و همچنین از فضایل اخلاقی و تربیت انسان گفتگو بعمل آمده است.

در فلسفه اسلامی موضوع، انسان با تمام ابعاد وجودی آن است و تمامی جنبه و ویژگی های انسان بررسی می شود (باقری، ۱۳۹۹: ۱۵). مکتب حیات بخش و انسان ساز اسلام به عنوان کامل ترین برنامه هدایت انسان ها برای تأمین سعادت جامعه بشری و رسانیدن او به کمال مطلوب به تعلیم و تربیت بیش از هر چیز دیگر تکیه ورزیده و اساس و شالوده توفیق آدمی را در پرتو تعلیم و تربیت صحیح دانسته است (پرنیان ۱۳۹۷: ۲۲).

تمامی مطالب فوق حالت اجمالی و کلی از موضوع این مقاله می باشد و در ادامه مقاله به موضوعات بیشتر و مهم تر می پردازیم که در ابتدا اصول و تعلیم و تربیت از نظر سارتر و فلسفه اگزستانسیالیسم را بررسی کرده، سپس اصول و تعلیم و تربیت در دیدگاه فلسفه اسلامی می پردازیم. در حوزه پژوهش هایی صورت گرفته که به اختصار به آنها می پردازیم.

سبحانی نژاد و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی و نقد نظام تربیتی سارتر با تأکید بر آرای تربیتی شهید مطهری" به این نتیجه رسیده‌اند که از نکات مثبت در دیدگاه سارتر میتوان به نقش اختیار و انتخاب در تعیین انسان، فعال بودن دانش آموز در فرایند یاددهی یادگیری و خلاقیت و خودآفرینی در تعلیم و تربیت اشاره کرد؛ اما با وجود نقاط قوتی که در برخی اندیشه‌های تربیتی سارتر دیده میشود، ضعف‌ها و اشکال‌هایی نیز در این دیدگاه به چشم می‌خورد که با تأکید بر آرای تربیتی شهید مطهری میتوان نقد دیدگاه‌های سارتر را در زمینه‌هایی چون عدم ملازمت تربیت با معنویت، نفی فطرت انسان، عدم هدفمندی، غفلت از نقش و جایگاه معلمان در تعلیم و تربیت و افراط بر آزادی مطلق فراگیران دانست و همچنین اندیشه‌های تربیتی شهید مطهری، وجوه تمایز اندیشه ایشان را با سایر اندیشه‌های تربیتی در غرب از جمله سارتر مبرهن می‌سازد و میتوان گفت ویژگی برجسته مباحث استاد مطهری، پیوند علم و عمل، پیوند دین و تربیت، جنبه تعقلی و کاربردی بودن آنهاست که میتواند برای سیاستگذاران، برنامه‌ریزان آموزشی و درسی، پرورشکاران، معلمان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت سودمند واقع شود.

گرامی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی و نقد دیدگاه سارتر درباره ماهیت انسان" نشان داد، مسئله ماهیت انسان از مباحث مهم فلسفی است که بیشتر اگزیستانسیالیست‌ها آن را نپذیرفته‌اند. سارتر از جمله این فیلسوفان است که برای نفی ماهیت انسان به دلایل متعددی تمسک جسته است. مهم‌ترین استدلال‌های وی عبارت است از: تعارض اختیار و آزادی کامل انسان با تعیین ماهیت انسانی و به تعبیری تلازم قبول ماهیت کلی یا جبر، صیورورت دائم انسان و ملازمه آن با نفی ماهیت و استدلال بر نبودن خدا برای تصور چنین طرحی است.

نتایج پژوهش دهقانی سیمکانی (۱۳۹۱) با عنوان «نگاهی انتقادی به مبانی تفکر اخلاقی سارتر» نشان داد، نظریه اخلاقی سارتر، مشکلات خاصی دارد که نمیتوان به آنها بی‌توجه بود. او با داشتن مبانی الحادی، اندیشه‌های اخلاقی خود را بر نوعی نگرش اومانیستی ملازم با حذف واجب الوجود مبتنی ساخته است. انسان محوری، نفی رئالیسم اخلاقی، امکان نداشتن دوستی با انسانهای دیگر، ناکارآمد بودن قوانین اخلاقی در تنظیم رفتارهای

انسانها، ارائه نکردن معیار مناسب برای تنظیم رفتارها و بی معنا شدن اخلاق یا ترویج نوعی آنارشیسم اخلاقی از جمله پیامدهای اندیشه های اخلاقی سارتر است که به طور قابل توجهی از اعتبار این نظریه می کاهد.

باقری دادوکلاهی (۱۳۹۹) تحت پژوهشی با عنوان "بررسی و مقایسه تعلیم و تربیت در ایدئولوژی لیبرالیسم و فلسفه تربیتی اسلام" به این نتیجه رسیده است که لیبرالیسم به دلیل اینکه ساخت ذهن بشر است بدون شک بدون ایراد نیست و یکی از ایراداتی که میتوان به آن گرفت آن است که تک بعدی است یعنی روی یک موضوع خاصی تاکید دارد و آن هم آزادی و آزادمنشی است. دانش و معرفت نزد فیلسوفان لیبرالیسم، جایگاه ویژه ای دارد. متفکران لیبرال با تاکید بر ارزش ذاتی دانش، نگرش سودجویانه داشتن به آن را مردود می دانند و با تفکیک دانش ذاتی و ابزاری، آنچه را که از یک نظام تربیتی انتظار دارند، توجه به دانش معرفت ذاتی است. در تعلیم و تربیت لبرال پاداش دانش خود دانش است و درک و جستجوی حقیقت تا جایی وظیفه انسانی است، که ذهن انسان از خود میتواند نشان دهد. و اما اسلام، اسلام از انسان به عنوان اصلی ترین موضوع تعلیم و تربیت می داند و تاثیر آن بر هدف و مبانی و اصول تعلیم و تربیت اسلامی بر هیچکس پوشیده نیست. انسان تربیت شده به آداب اسلامی تمام قوای خود را تحت سیطره عقل قرار داده و در نتیجه خردمندانه عمل نموده. به عمران جهان پیرامون خود می پردازد.

با عنایت به این پژوهش ها، پژوهشی تحت عنوان نقد و بررسی آرای تربیتی و فلسفی ژان پل سارتر از منظر فلسفه تربیتی اسلام صورت نگرفته است. از این رو این پژوهش در راستای مسئله اصلی پژوهش و ضرورت و اهمیت آن صورت گرفته است.

روش تحقیق

با توجه به ماهیت و کیفیت این پژوهش، روش پژوهش، توصیفی تحلیلی (تحلیل اسنادی) است. در این پژوهش سعی شده است از منابع دست اول و منابع دست دوم استفاده شود و ابزار پژوهش نیز شامل فرم های فیش برداری است و داده ها نیز با استفاده از شیوه های تحلیل کیفی، جمع آوری، طبقه بندی و تحلیل شده است. بدین منظور سعی شده

است برای بررسی منابع، از دردسترس‌ترین و بهترین و جدیدترین منابع موجود استفاده شود.

۱. اصول فلسفه سارتر و اگزیستانسیالیسم

قبل از بررسی آرای تربیتی سارتر، ابتدا به طور اجمالی با اصولی که در تفکر و فلسفه سارتر وجود دارد می‌پردازیم.

به طور کلی اگزیستانسیالیست‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند، یک دسته از اگزیستانسیالیست‌ها که به خدا اعتقاد دارند، مانند کارل یاسپرس و گابریل مارسل و یک دسته دیگر از اگزیستانسیالیست‌ها وجود دارند که اصلاً اعتقادی به خدا ندارند که همین آقای سارتر جز این دسته می‌باشد (باقری دادوکلاهی، ۱۳۹۹: ۱۵۶). سارتر اعتقاد داشت که فلسفه فهمیدنی است، نه حفظ کردنی. میان متفکران اگزیستانسیالیستی، هیچ یک غیر از سارتر با عنوان اگزیستانسیالیست از خود یاد نکرده‌اند؛ حتی برخی از این فیلسوفان از جمله هایدگر و مارسل با به کار بردن این نام برای خودشان مخالفت کرده‌اند (همان: ۱۶۰). به نظر سارتر آنچه در میان اگزیستانسیالیست‌ها مشترک می‌باشد اعتقاد به تقدم وجود بر ماهیت است. به نظر این مکتب، عامل ذهنی یا درونی یا عامل انسانی نقطه شروع را تشکیل می‌دهد. سارتر برای اینکه منظور خود را از تقدم وجود بر ماهیت روشن سازد وضع انسان را با اشیاء مقایسه می‌کند. به نظر او در تهیه اشیاء سازنده ابتدا مفهوم شیء مورد نظر را در ذهن مجسم می‌کند و سپس به تهیه آن اقدام می‌کند. سارتر اعتقاد دارد که انسان ابتدا وجود دارد و بعد به ساختن مفهوم یا ماهیت خود اقدام می‌نماید. سارتر عقیده طرفداران مسیحی را مبنی بر اینکه خدا ابتدا مفهوم یا ماهیت انسان را در ذهن خود مجسم می‌کند و بعد او را خلق می‌کند نمی‌پذیرد (صمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۸).

به نظر سارتر اگر این عقیده مورد قبول قرار گیرد انسان و اشیاء در یک سطح قرار می‌گیرند. به نظر سارتر اعتقاد به خدا مستلزم این است که ماهیت انسان مقدم بر وجود او باشد و ارزش‌هایی را که انسان باید خود به وجود آورد و آن‌ها را متحقق سازد از پیش به وسیله خدا آفریده شده باشند. اگر انسان آنطور که اگزیستانسیالیسم او را درک می‌کند غیر قابل تعریف می‌باشد به علت آن است که او در ابتدا هیچ یا عدم می‌باشد فقط بعداً چیزی

خواهد شد و خود آنچه را که خواهد بود می‌سازد. بنابراین از نظر او، طبیعت یا ماهیت انسان وجود ندارد، زیرا خدایی نیست که این ماهیت را درک کند. سارتر معتقد است که انسان ماهیت خود را می‌سازد و آن را تعریف می‌کند (گرامی، ۱۳۸۸: ۸۳).

به اعتقاد سارتر، انسان جز آنچه خود برای خویشتن انتخاب می‌کند و به وجود می‌آورد چیزی دیگری نیست. این امر از نظر سارتر نخستین اصل فلسفه اگزیستانسیالیسم می‌باشد که آن را اصل ذهنی بودن می‌خواند (صفوی مقدم، ۱۳۹۴: ۴۵).

آنچه در بالا گفته شد، خلاصه ای از اصول کلی نظریات سارتر و فلسفه اگزیستانسیالیسم می‌باشد و چون بحث اصلی ما درباره آرای تربیتی وی می‌باشد بیشتر ازین وارد بحث اصول فلسفی سارتر نمی‌شویم.

۲. آرا و اهداف تربیتی ژان پل سارتر

۲-۱. نسبیّت گرایی در تعلیم و تربیت

انسان مد نظر سارتر سیلان و جریانی است که هر لحظه او نسبت به لحظه قبل، ظهور تازه‌ای از وجود اوست؛ بدین دلیل، نسبیّت مورد تحسین قرار می‌گیرد (نوالی، ۱۳۷۳: ۲۶۷).

به نظر اگزیستانسیالیستها هیچ دو کودکی شبیه هم نیستند. کودکان از نظر آگاهی، ویژگیهای شخصی، علایق و امیالی که کسب کرده‌اند، با هم فرق دارند. خنده دار خواهد بود اگر فکر کنیم که باید همه آنان آموزش و پرورش مشابهی داشته باشند (اوزمن و کراور، ۱۳۷۹: ۴۰۵).

نلر نیز در انتقاد از آموزش‌های یکسان برای همه افراد و توجه نکردن به استعدادها و ظرفیت‌های افراد مختلف جامعه مینویسد: «هر چه بیشتر وضع نابسامان آموزش همگانی در زمان حاضر را مد نظر می‌آورم، بیشتر به این عقیده پیدا میکنم که هواخواهان فلسفه هستیگرا راه اصلاح را نشان میدهند. کودکان ما دسته دسته روانه کارخانه‌های آموزش و پرورش میشوند و در آنجا با همه یکسان رفتار میشود و همه به یک شکل در می‌آیند بی اینکه به جنبه‌های یگانه شخصی آنها توجه شود. معلمان ما اجبار دارند یا به تصور خود مجبورند که مطابق برنامه‌هایی تدریس کنند که برای آنان تعیین شده است. چنین نظامی هم

دانش‌آموز و هم معلم را با خود بیگانه می‌سازد. زمان تغییر این نظام به نظام بهتر فرا رسیده است» (نلر، ۱۳۹۴: ۹۵).

۲-۲. درک مفهوم آزادی

بر اساس نظرات سارتر انسان آزاد است زیرا دارای اختیار است و توانایی گزینش دارد. انسان حتی در سخت‌ترین شرایط از نظر سارتر آزاد است. هر چند گزینه‌ها محدود شود ولی باز هم انسان می‌تواند انتخاب کند. یکی از اهداف تعلیم و تربیت باید این باشد که افراد را انتخابگر بار بیاورد. هدف باید این باشد که دانش‌آموزان به توانایی انتخاب خود پی ببرند و به این درک نائل آیند که آن‌ها هیچ‌گاه مجبور نیستند تنها یک راه برای انتخاب داشته باشند. لازم است دانش‌آموزان در مدرسه بیاموزند که ذاتاً آزادند و توانایی انتخاب دارند و هم این نکته را دریابند که آزادی به چه معناست. بعضی چنین برداشت می‌کنند که آزادی به معنای انجام هر کاری است که دلشان بخواهد، یا آزادی را رهایی از هر گونه قید و بند می‌دانند. آزادی از نظر سارتر فقط توانایی گزینش است و برگزیدن باید با عمل و کردار همراه باشد. آموزش و پرورش می‌تواند به عنوان نهادی که افراد سال‌های زیادی از دوران کودکی و نوجوانی خود را در آن می‌گذرانند به درک مفهوم آزادی کمک کند. کلاس درس به عنوان یک اجتماع می‌تواند تمرین خوبی برای درک مفهوم آزادی باشد و معلم می‌تواند از طریق نحوه‌ی اداره‌ی کلاس، معنای آزادی را به شاگردان بیاموزد. مثلاً در کلاس درس معلم به شاگردان بگوید که آن‌ها آزادانه نظرات و عقاید خود را بیان کنند ولی لازم است بدانند که آزادی دیگر هم کلاسی‌های خود را در نظر بگیرند و به آن‌ها نیز اجازه‌ی ابراز وجود دهند. معلم می‌تواند با تأکید بر مفهوم آزادی ضمن آشنایی هرچه بیشتر دانش‌آموزان با این واژه، چهارچوب‌های آزادی را هم برای آن‌ها روشن کند (مظفری پور، ۱۳۹۹: ۷۶).

۲-۳. یادگیری فرد

به نظر سارتر هیچ قانون یا قدرتی نیست که بخواهد شیوه یا منشی را به انسان تحمیل کند. انسان دارای اختیار نامحدود است؛ بنابراین ما به اختیار خود خط و منشی‌مان را تعیین می‌کنیم؛ در این صورت هیچ چیز را از دست نخواهیم داد؛ زیرا تمام گزینش‌های ما به خط و

مشی ما منوط است؛ همین که هدف‌های خود را به اختیار برگزیدیم، دیگر تمام تصمیمات خصوصی ما به اختیار خود ما صورت خواهد گرفت دراین راستا میتوان اذعان کرد استقلال شاگردان و آزادی آنها در تصمیم‌گیری‌ها از اولویت‌های مهم اگزیستانسیالیسم‌ها و از جمله سارتر است (فولیکه، ۱۳۴۳: ۴۷). سارتر در تعلیم و تربیت بر یادگیری فردی تأکید دارد و این هدف بیانگر این است که افراد در حالت جمع، قربانی نظر آنها میشوند و بدون اینکه از خود اختیاری داشته باشند، نظر آنها را خواهند پذیرفت (سبحانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۹).

۲-۴. افزایش حس مسئولیت پذیری

سارتر به مفهوم مسئولیت توجه بسیاری دارد و همیشه بر آن بود تا انسان‌ها را متوجه مسئولیت خودشان بکند. طبق نظر سارتر انسان مسئول وجود خویش است. نظام تعلیم و تربیت باید با حفظ فردیت افراد در جهت مسئولیت‌پذیری آنان کمک کند، به طوری که هر فردی به تنهایی فرد بودن خود را بپذیرد و حفظ کند. چنین افرادی چون احساس بودن می‌کنند یعنی سرشار از هستی هستند، از هر گونه روحیه‌ی تملک‌خواهی به دور می‌باشند. ارتباط آنان از نوع رابطه‌ی «من» «تویی» است؛ یعنی افراد به صورت آزاد و منفرد در ارتباط با هم قرار دارند. در این صورت هر فردی در عین حال که مسئولیت خود را بر عهده دارد نسبت به دیگران و طبیعت نیز مسئولانه عمل می‌کند (اخلاق بناری، ۱۳۷۸: ۷۸). در واقع می‌توان گفت یکی از راه‌هایی که می‌تواند در جهت مسئولیت‌پذیری کمک کند این است که در محیط‌های آموزشی به دانش‌آموزان به عنوان افرادی که هر یک انسانی قابل احترام بوده و دارای شخصیتی خاص هستند نگریسته شود و آنان به ارزش و اهمیت انسانی خود آگاه باشند (مظفری پور، ۱۳۹۹: ۶۵).

۲-۵. فعال بودن شاگرد

انسان مورد نظر سارتر، موجودی متکی به خود است که در میان امکانات بی پایان قرار گرفته و همواره مشتاق تصمیم، عمل و فعالیت است. به گفته سارتر اگزیستانسیالیسم جز خوشبینی نیست و دکتترین آن به فعالیت متکی است؛ بنابراین مهمترین هدف تربیتی، که میتوان از نظریه سارتر استنتاج کرد این است که شاگردان باید در فرایند تربیت فعال باشند

و در بحث‌های کلاسی شرکت کنند (سارتر، ۱۳۹۹: ۶۷).

۲-۶. تربیت خلاق

تعلیم و تربیت اگزیستانسیالیستی باید با انسان به عنوان موجود منحصر به فرد در جهان، نه تنها خالق افکار بلکه موجود زنده حساس برخورد کند (اوزمن و کراور، ۱۳۷۹: ۴۰۵). به نظر سارتر، خلاقیت، مفهوم شکوفایی است که جز با حرکت درون یعنی فکر و با حرکت بیرونی یعنی عمل، میسر نمی‌شود. اگر حرکت قطع شود، آن معنی از بین می‌رود. خلاقیت جز با گذر دائمی از مراتب مختلف قابل درک و قابل بقا نیست (نوالی، ۱۳۷۳: ۲۱۲). بنابراین از آنجا که شاگردان فعالانه در جریان یادگیری حضور دارند، الزاماً باید دارای خلاقیت نیز باشند.

۳. رابطه معلم و شاگرد از نظر ژان پل سارتر و فلسفه اگزیستانسیالیسم

از نظر سارتر معلم باید کاری کند که شاگردان آزادانه، مستقلانه و خلاقانه دست به انتخاب بزنند. هدف معلم باید بیدار کردن و شدت بخشیدن به خود آگاهی شاگرد باشد. معلم نبایستی شاگردان را به حضور اجباری در کلاس درس وادار کند و اگر خودشان نخواهند، نمره یا امتحانی در کار نیست. طرفداران این مکتب تاکید می‌کنند که مدرسه باید مکان آزادی باشد که همه شاگردان در صورت تمایل و با فراغ بال و بدن هیچ‌گونه اجبار و تهدیدی در آن حضور یابند. (علوی، ۱۳۹۴: ۷۴).

به اعتقاد سارتر، ما باید شاهد پایان یافتن سلطه جویی بر شاگردان باشیم. پایان یافتن روشی که در آن معلمان بر اساس راه‌های از پیش تعیین شده و با استفاده روش‌های رفتارگرایانه پاداش و تنبیه، کودکان را کنترل می‌کنند. از دغدغه‌های فکری وی و فلسفه اگزیستانسیالیسم، نقش معلم در فرایند یادگیری است. آنها اعتقاد دارند که هر معلمی باید یک شاگرد باشد و هر شاگرد، یک معلم. از دیدگاه مکتب اگزیستانسیالیسم و سارتر، با هدایت و فعالیت معلم به عنوان برانگیزاننده محرک، یادگیرندگان به انتخاب هاب فردی پرداخته و به انجام تحقیقات و پژوهش‌ها راغب می‌گردند. (خلیلی شورینی، ۱۳۷۸: ۴۲). در مکتب اگزیستانسیالیسم تربیت معلم به کلاس درس و مسائل برنامه آموزشی محدود نمی‌شود. در یک رابطه مشترک، معلم و شاگرد برای رسیدن به حقیقت دیالوگ می‌کنند. معلم

شاگرد را در دیالوگ شرکت داده و او را به شرکت در دیالوگ تشویق می‌کند. دانش‌آموز مد نظر سارتر نقش یک بازیگر را دارد نه یک تماشاچی، اما در این نمایش، به زعم نلر، نقش اول را معلم ایفا می‌کند. (نلر، ۱۳۹۴: ۹۲).

تربیت معلمی که دیدگاه ذهنی او متمایل به ارزش‌های دینی باشد، مد نظر است. در واقع به نظر میرسد که تربیت معلمی که پایبند به رعایت اصول و موازین اخلاقی باشد از دیدگاه‌های اساسی این مکتب در خصوص تربیت معلم باشد. تربیت معلمی که توانایی تشخیص استعداد‌های بالقوه شاگردان خود را داشته باشد و بتواند استعداد‌های متربیان خود را در جهت صحیح هدایت کند از دیگر ویژگی‌های تربیت معلم مکتب اگزیستانسیالیسم و سارتر به شمار می‌رود (همان: ۹۴).

۴. اصول فلسفی فلسفه تربیتی اسلام

همانگونه که قبلاً اشاره شد، فلسفه تربیتی اسلام با فلسفه تربیتی سایر مکتب‌ها از جهات مختلف تفاوت دارد در یک مکتب فلسفی ما با چند اصل یا نظریه درباره واقعیت جهان بحث شناخت و ارزش‌شناسی روبه‌رو می‌شویم معمولاً طرفداران یک مکتب درباره مسایل تربیتی به بحث می‌پردازند و مجموع آراء فلسفی و اندیشه‌ای تربیتی آنها فلسفه تربیتی مورد قبول این گروه را تشکیل می‌دهد. اسلام یک مکتب فلسفی نیست، همانطور که نمی‌توان قرآن را یک کتاب روان‌شناسی یا یک کتاب جامعه‌شناسی در معنای مصطلح تلقی نمود. در قرآن از جهان و آفریدگار آن، از انسان و ابعاد و جودی او از سرگذشت اقوام و ملل، از ارزش‌های انسانی، از مناسبات اقوام و ملل و از ارتباط انسان با خداوند و جهان و همچنین از فضایل اخلاقی و تربیت انسانی گفتگو بعمل آمده است (شریعت‌مداری، ۱۳۹۲: ۲۲۹).

مبانی فلسفی فلسفه تربیتی اسلام به مثابه یک جهان‌بینی توحیدی می‌باشد که این مکتب و مبانی فلسفی آن (جهان‌بینی توحیدی) بر عمل و رفتارهای تربیتی مسلمانان موثر است (ابراهیم زاده، ۱۳۹۲: ۲۲۷). در اسلام، خداوند انسان‌ها را خلق می‌کند و در قرآن مجید و سایر متون اسلامی خداوند متعال بعنوان هادی و راهنما معرفی شده است. در آیه شریفه زیر ضمن روشن نمودن جریان وحی، خداوند به نقش هدایتی خود اشاره می‌کند و خطاب

به پیامبر (ص) می‌فرماید: «تو نیز به راه راست هدایت شده‌ای»:

وَ كَذَلِكَ اَوْحَيْنَا اليك رُوحاً مِنْ اَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْاِيْمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُوْرًا يَهْدِيْ بِهٖ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَاَنْتَ لَتَهْدِيْ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ. صراط الله الذي له ما فى السموات و ما فى الارض الا الى الله بصير الامور (شورى: ۵۳).

یا در سوره انبیا آیه ۷۳ خداوند می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِي هِيَ أَقْوَمُ»، همانگونه که مشاهده می‌فرماید خداوند می‌گوید: «همانا این قرآن خلق را به راست‌ترین و استوارترین طریق هدایت می‌کند» (انبیا: ۷۳)

پس انسان در بدو تولد و بعد از آن همینطوری رها نمی‌شود و تحت هدایت و رحمت خداوند متعال قرار می‌گیرد (شریعتمداری، ۱۳۹۲: ۳۹).

نکته دیگر که باید به آن اشاره کرد بحث در مورد مفهوم وجود و ماهیت اشیا می‌باشد. علامه طباطبایی در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم در باره واقعیت جهان می‌گوید: «ما در برابر سوفسطی که به چیزی جز اندیشه اعتراف نداشت و ندارد می‌گوییم زمین هست، آسمان هست، انسان هست، درخت هست، ماده هست، قوه هست... یعنی هر یک از این شمرده‌ها دارای واقعیت است.» (طباطبایی ۱۳۶۲: ۲۴).

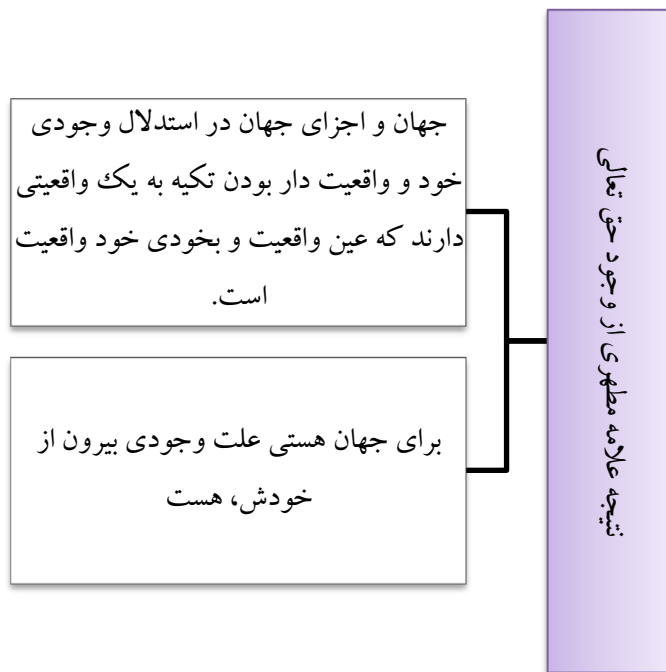
علامه طباطبایی ضمن بحث درباره اختلاف مفهوم وجود و ماهیت اشیا و اینکه همه اشیا واقعی از وجود برخوردار هستند اصولی را مطرح می‌سازد که در زیر مشاهده می‌کنید (همان: ۶۴)

- ۱- ما واقعیت هستی را به همه اشیا به یک معنی اثبات می‌کنیم.
- ۲- معنای واقعیت غیر از مفهوم هر یک از موجودات واقعیت دار می‌باشد.
- ۳- ما از واقعیت‌های خارجی، دو مفهوم مختلف انتزاع می‌کنیم (وجود و مهیت)
- ۴- اصالت در خارج از آن هستی بوده و مهیات پنداری و اعتباری هستند.
- ۵- وجود یک حقیقت تشکیکی است.

علامه مطهری برای جمع بندی این مطالب دو نتیجه را بیان می‌کند که در نمودار شماره

۱ مشاهده می‌فرماید.

نمودار شماره ۱ (شریعتمداری ۱۳۹۲: ۲۳۲)



۵. آرا و اهداف تربیتی فلسفه تربیتی اسلام

۵-۱. پرورش تفکر

در احادیث و آیات فراوانی اهمیت تفکر بیان شده به طوری که نیازی به برهان برای اثبات این مسئله نیست امام صادق (ع) میفرماید: «افضل العبادۃ، ادمان التفکر فی الله و فی قدرته» (صمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۳)، یعنی برترین عبادت اندیشیدن درباره خدا و قدرت اوست. در کلام امیر المومنین علم به نوع، علم مطبوع و علم مسموع تقسیم میشود، علم مطبوع یا همان قوه ی ابتکار آدمی از طبیعت و سرشت آدمی سرچشمه می گیرد و علم مسموع علمی است از آموزش های بیرونی سرچشمه می گیرد. در اسلام پرورش هر دو علم مطبوع و مسموع هدف است؛ یعنی هدف فقط صرف انتقال اطلاعات و انبار اطلاعات در مغز متعلم نیست؛ بلکه پرورش تفکر و ابتکار یا همان علم مطبوع به عنوان یک اصل مد نظر است؛ علم مسموع اگر علم مطبوع نباشد فایده ندارد (باقری، ۱۳۹۹: ۷۸). همان طور که بیان شد هدف از تعلیم و تربیت رشد فکر یا همان قدر تجزیه و تحلیل و انتخاب درست است انتقال صرف

دانش نمی‌تواند پاسخگوی نیاز دانش آموزان و دانشجویان ما باشد بلکه آنها باید بیاموزند که انتقادی بیندیشند. ولی تفکر بدون تعلیم و تربیت امکان پذیر نیست. مایه اصلی تفکر، تعلیم و تربیت است. در تعلیم و تربیت باید مجال فکر کردن به دانش آموز داده بشود و او به فکر کردن ترغیب گردد (باقری دادوکلایی، ۱۳۹۹: ۱۲۸).

۵-۲. عبودیت

هدف اساسی تربیت از دیدگاه اسلام پرستش خدای یگانه است. وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ: و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند (الذاریات: ۵۶). خداشناسی و پرستش خدا، بنیان استقرایی است که نه تنها حرکت دایمی انسان را به سوی کمال و رشد تضمین می‌کند، بلکه به صورتی اطمینان بخش جلوی انحراف فرد و جمع را نیز می‌گیرد (شریعتمداری، ۱۳۹۲: ۱۲۸). پرستش خدا یعنی قدم گذاردن در مسیر توحید، مسیری دایمی و مطمئن که به سوی ابدیت ادامه دارد؛ مسیری که در تمام مراحل، رشد فرد و جمع را تضمین می‌کند. جهان بینی توحیدی به حیات و زندگی، معنی، روح و هدف می‌دهد؛ زیرا انسان را در مسیری از کمال قرار می‌دهد که در هیچ حد معینی متوقف نمی‌شود و همیشه رو به پیش است. جهان بینی است که آدمی را از سقوط در دره هولناک پوچی گرایبی نجات می‌دهد (همان: ۱۳۰). اثر عبد بودن در هر یک از شئون انسان چنین آشکار می‌شود که در شأن جسمی و غریزی، انسان را از پیروی شهوات باز می‌دارد، در شأن فکری و عقلی او را بر آن می‌دارد که علم را عطیة الهی بداند و مایة خشیت از خدا و در شأن اخلاقی و اجتماعی اراده علو و برتری جویی را از او می‌ستاند، در شأن اقتصادی، او را بر مالک دیدن خدا و در شأن سیاسی بر حاکم دیدن او فرا می‌خواند (میکائیل لو و سلطان القرایی، ۱۳۹۴: ۱۰۰-۱۰۱).

۵-۳. پرورش و شکوفایی استعدادهای روح آدمی

در تعلیم و تربیت اسلامی اساس کار روح است و شکوفایی استعدادهای این بعد انسان، که توانایی مقام قرب الهی را دارد؛ اما آنچه مد نظر باید قرار بگیرد این است که اسلام پرورش بعد جسمی انسان را نفی نمی‌کند. پرورش جسم به معنی واقعی آن یعنی تلاش برای سالم نگه داشتن و تقویت جسم در جهت بندگی خداوند از ضروریات اسلام به

حساب می آید. تقویت و تربیت جسم برای انسان از نظر اسلام هدف نیست؛ مطلوب هست ولی نه به عنوان هدف، بلکه به عنوان وسیله و شرط؛ یعنی انسان وقتی جسم سالم و قوی نداشته باشد؛ روح سالم هم نخواهد داشت اصل، پرورش روح و استعدادهای روح انسان است؛ استعدادهای، دینی، علمی، هنری، اخلاقی و... به طوری که با به کمال رسیدن این استعدادها به وسیله ی تعلیم و تربیت در نهایت انسان، به هدف غایی یعنی قرب الهی برسد.

۴-۵. قرب و رضوان

قرب به معنای نزدیکی به خداست و آشکار است که این نزدیکی، مکانتی است نه مکانی. در قرب، انسان به خدا نزدیک می شود، اما خدا همواره به انسان نزدیک است؛ آن هم در برترین حد نزدیکی؛ وَتَحَنُّنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (سوره ق، ۱۶) ماهیت نزدیکی و دوری انسان به خدا مربوط به رویکرد توجه و عدم توجه او به خداست (باقری، ۱۳۹۹: ۸۰) مراد از قرب، نزدیکی و ارتباط روحی و معنوی با خداست که ریشه در شخصیت وجود انسان دارد و او را حقیقتاً به خدا نزدیک می کند هر قدر توجه انسان به خدا عمیق تر و پایدارتر باشد و به هر میزان که انسان بیشتر احساس حضور در محضر خدا را داشته باشد، قرب افزون تر ی ایجاد می شود (اعرافی و مهری رمی، ۱۳۹۷: ۱۱۲).

۵-۵. حیات طیبه

حیات طیبه یعنی زندگی پاکیزه از انواع آلودگی ها، ظلم ها، خیانت ها، عداوت ها و دشمنی ها، اسارت ها و ذلت ها، انواع نگرانی ها و هر چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می سازد. نتیجه این پاکیزگی، تحقق جامعه ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی خواهد بود. جامعه ای که از نابسامانی ها و درد و رنج هایی که بر اثر استکبار، ظلم، طغیان، بت پرستی و انحصار طلبی به وجود می آید در امان است (میکائیل لو و سلطان القزایی، ۱۳۹۴: ۱۰۱). تعبیر حیات طیبه در قرآن مجید تنها در آیه ۹۷ سوره نحل آمده است. مَنْ عَمَلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ: هر کس عمل صالح انجام دهد در حالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می بخشیم و پاداش

آنها را به بهترین اعمالی که انجام دادند خواهیم داد. به طور خلاصه از این آیه و تفاسیر ذیل آن چند نکته قابل برداشت است: (همان: ۱۰۲).

۱- دو رکن اصلی برای برخورداری از حیات طیبه آن چنان که آیه مذکور صراحت دارد ایمان و عمل صالح است؛ دو رکنی که در بسیاری از آیات قرآن کنار یکدیگر ذکر شده اند و از همدیگر قابل تفکیک نیستند.

۲- بر اساس منطق اسلام و قرآن، زن و مرد با وجود تفاوت‌هایی که از نظر جسم و روح دارند، از نظر شخصیت انسانی و مقامشان در پیشگاه خداوند، کاملاً برابرند و معیاری که بر شخصیت آنها حکومت می‌کند، یک معیار بیش نیست؛ یعنی ایمان و عمل صالح.

۳- درباره اینکه مراد از "حیات طیبه" و زندگی پاک و پاکیزه چیست در روایات و تفاسیر، مصادیق متعددی نام برده شده است :

در نهج البلاغه آمده که از حضرت علی (ع) پرسیدند، منظور از آیه "فَلْتُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوَةً طَيِّبَةً" چیست؟ حضرت فرمودند:

الف- قناعت و رضا دادن به مصیبت؛

ب- عبادت توأم با روزی حلال؛

ج- توفیق بر اطاعت از فرمان خدا

۵-۶. تقوا

تقوا از وقایه می‌آید و وقایه به معنی حفظ شیء است از آنچه به او زیان برساند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۸). تقوا عبارت از آن است که نفس، تحت محافظت قرار بگیرد تا به ارتکاب گناه یا خطا دچار نشود (باقری، ۱۳۹۹: ۷۹). تقوای دینی و الهی یعنی اینکه انسان خود را از آنچه از نظر دین و اصولی که دین در زندگی معین کرده خطا، گناه و پلیدی و زشتی شناخته شده حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود. هدف اساسی تعلیم و تربیت این است که فرد را طوری بار آورد که خود، اداره کننده خویشتن باشد، تمایلات یا هواهای نفسانی خود را تحت واپایش درآورد و از آنچه غیر منطقی یا غیر عقلانی است خود را دور سازد و از آنچه شایسته انسان بودن اوست، انجام دهد (شریعتمداری، ۱۳۹۸: ۱۳۵). به نظر می‌آید معنای مناسب برای واژه تقوا «خودنگهداری» است. در تأیید این نکته که به

معنای «وقایه» حفاظت و نگهداری از شرور و آفات است، به چند آیه می توان استناد کرد؛ در آیه ۱۱ سوره انسان آمده است که: «فَوْقَهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّهْم نَصْرَةً وَ سُرُورًا» خدا هم آنان را از شرّ و فتنه آن روز محفوظ داشت و به آنها روی خندان و دل شادمان عطا کرد. همچنین در آیه ۶ سوره تحریم به این نکته اشاره شده است: «قُوًّا أَنْفُسِكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا» خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ نگاه دارید (همان: ۱۳۷).

آنچه از اهداف و آرای تربیتی در فلسفه تربیتی اسلام در بالا گفته شده است، فقط تعدادی از آنها می باشد و در اسلام تعداد بسیاری در مورد اهداف و آرای تربیتی صحبت شده است که در این مقاله مجال پرداختن به آنها وجود ندارد.

۶. رابطه معلم و شاگرد از منظر فلسفه تربیتی اسلام

از نظر پروردگار عالم، کار معلم کار خداست و نقش او در جامعه نقش پیامبر اکرم (ص) است، نقش همه ی انبیاء و اوصیاء است. اولین سوره ای که بر پیغمبر اکرم (ص) نازل شده است، سوره ی علق است، آیاتی که در همان وهله ی اول بر پیامبر نازل شد و در این آیات پروردگار عالم خود را یک معلم قلمداد میکند و میفرماید، پروردگارت اکرم است، برای اینکه معلم است. و در سوره ی جمعه میفرماید که هدف از بعثت رسول اکرم (ص)، هدف از آمدن قرآن، همانا پیغمبر با معجزه و قرآن برای آموزش و پرورش آمده است، یعنی بعثت. هدف قرآن یکی تهذیب نفس (تربیت) و دیگری بالا بردن سطح معلومات (تعلیم) انسان است (باقری، ۱۳۹۹: ۶۷).

از اینها گذشته، قرآن درجه ای به معلم داده است که اگر شبانه روز به آن افتخار کند، باز هم کم است؛ آنجا که میفرماید «من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعاً و من احیایها فکانما احیای الناس جمیعاً و...» (همان: ۶۹).

بنا به تفسیری که امام صادق (ع) از این آیه ی شریفه کرده اند، اگر کسی بتواند یک نفر را بسازد و یک باسواد متعهد تحویل جامعه بدهد، مثل این است که جهان را زنده کرده است. ایشان میفرمایند، قوام دنیا به چهار چیز است: اول به عالمی است که ناطق و عمل کننده به علمش باشد، دوم به جاهلی که تکبر نکند از تحصیل علم و دنبال تحصیل علم

برود، سوم به ثروتمندی است که بخل نکند از بذل واجبات مالش در راه خدا به فقرا و صرف در اهداف عام المنفعه، چهارم به فقیری است که نفروشد دین خود را به دنیا، پس اگر عمل نکند عالم ناطق (معلم) به عملش و تکبر کند جاهل از طلب علم و بخل بورزد غنی و مال دار از بذل زیادی اموال خود در راه خدا و بفروشد فقیر دینش را به دنیا، بازگشت میکند دنیا به سوی قهقرا و توحش. در این گفتار گران بها معلم در صدر قرار گرفته و جایگاه او در پایداری دنیا بیان شده است (مظاهری، ۱۳۷۱: ۱۸).

۷. یافته‌ها

در این بخش تمامی آرای تربیتی اندیشه‌های ژان پل سارتر و فلسفه تربیتی اسلام به صورت مقایسه و درون جدول به نمایش گذاشته می‌شود و همچنین نقدهایی که به آرای سارتر وارد است ذیل هر جدول آمده است.

جدول شماره ۱- مقایسه اصول فلسفی سارتر و فلسفه اسلامی

اصول فلسفه سارتر	اصول فلسفه اسلام
خدایی وجود ندارد، در نتیجه خدایی هم نیست که خالق انسان باشد.	خداوند خالق و مالک کلی هستی می‌باشد و انسان را خداوند خلق کرده است.
انسان از تمامی جهات، از هر لحاظی آزاد است و هر کاری بخواهد آزاد است انجام دهد.	انسان نه آزاد مطلق است و نه مجبور مطلق، نه آنچنان که صد در صد نفوذ ناپذیر باشد و نه صد در صد نفوذ پذیر، بلکه وضعی میان این دو دارد.
انسان خود هدایت کننده و راهنما کننده خود است و خدایی وجود ندارد که انسان را هدایت کند.	انسان در هر لحظه مشمول رحمت الهی و هدایت الهی می‌باشد.
انسان در برابر خود و دیگران مسئول است.	انسان در برابر خود و دیگران مسئول است. (این مطلب نقطه اشتراک این دو تفکر محسوب می‌شود)

در جدول فوق همانطور که مشاهده می‌شود نقاط اشتراک و افتراق اصول فلسفی سارتر و فلسفه تربیتی اسلام مشخص شده است. اولین نقدی که به سارتر وارد است این است که

در اصول فلسفی سارتر به خدا اعتقادی ندارد و می‌گوید خدایی وجود ندارد در حالی که در فلسفه تربیتی اسلام، خداوند مالک و خالق دنیا و جهان هستی می‌باشد. نکته بعدی بحث آزادی انسان می‌باشد.

سارتر عملاً فطرت را در انسان نفی می‌کند و همچنین معتقد است انسان آزاد مطلق است ولی در فلسفه تربیتی اسلام انسان نه آزاد مطلق است و نه مجبور مطلق. همچنین سارتر بیان می‌دارد که انسان خود مسئولیت هدایت خویش را به عهده دارد و ماهیت خودش را می‌سازد و نقش خداوند را در هدایت انسان دخیل نمیداند چون اصلاً به خدایی اعتقاد ندارد درحالی که از دیدگاه فلسفه تربیتی اسلام انسان در هر لحظه مشمول رحمت و هدایت الهی می‌باشد.

جدول شماره ۲- مقایسه آرای تربیتی ژان پل سارتر و فلسفه تربیتی اسلام

آرای تربیتی سارتر	آرای تربیتی فلسفه تربیتی اسلام
نسبیت گرایی در تعلیم و تربیت	پرورش تفکر
درک مفهوم آزادی	عبودیت
یادگیری فرد	پرورش و شکوفایی استعدادهای روح آدمی
افزایش حس مسئولیت	قرب و رضوان
فعال بودن شاگرد	حیات طیبه
تربیت خلاق	تقوا

در جدول فوق که مربوط به بحث آرای تربیتی ژان پل سارتر و فلسفه تربیتی اسلام می‌باشد، نقد اولی که وارد است این است که، شاید بتوان دلیل آن را این گونه تلقی کرد که سارتر اساساً به خدا و دنیای آخرت و جهان دیگر اعتقادی ندارد و عملاً دیدگاه‌های تربیتی وی نباید معطوف به رسیدن به حیات طیبه و رسیدن به آخرت نیک باشد و همچنین دیدگاه‌های تربیتی وی با معنویت ملازمی ندارد در حالی که اصل در فلسفه تربیتی اسلام، اعتقاد به معاد و آخرت و دنیای دیگر می‌باشد و تمامی آرای تربیتی در فلسفه تربیتی اسلام به گونه‌ای می‌باشد که انسان را در رسیدن به خیر دنیا و آخرت هدایت می‌کند.

جدول شماره ۳- مقایسه رابطه معلم و شاگرد در اندیشه سارتر و فلسفه اسلامی

رابطه معلم و شاگرد در اندیشه سارتر	رابطه معلم و شاگرد در فلسفه تربیتی اسلام
معلم باید کاری کند که شاگردان آزادانه، مستقلانه و خلاقانه دست به انتخاب بزنند.	دل متربیان را به سوی خدا رهنمود کند.
معلم نبایستی شاگردان را به حضور اجباری در کلاس درس وادار کند و اگر خود شاگرد نخواهد نمره و امتحانی در کار نیست.	استعدادهای درونی و ذاتی یادگیرندگان را شناسایی کند و زمینه شکوفایی آنها را فراهم کند.
معلم و شاگرد برای رسیدن به حقیقت دیالوگ می‌کنند و هر معلم یک شاگرد است و هر شاگرد یک معلم.	معلم باید کلاس را اداره و کارگردانی می‌کند.
معلم تربیت شده باید پایبند اصول و موازین اخلاقی باشد تا بتواند استعدادها را بالقوه دانش‌آموزان را شناسایی کند.	معلم خود باید به نکات تربیتی که به دانش‌آموزان می‌گوید عمل کند.

در پایان نیز طبق جدول فوق که به بررسی رابطه معلم و شاگرد از این دودیدگاه می‌پردازد، نقدهایی به سارتر وارد است، برای مثال فلسفه تربیتی اسلام معتقد است معلم باید دل شاگردان را به سوی خدا رهنمود کند ولی سارتر همچنین اعتقادی ندارد، همچنین سارتر معتقد است معلم نبایستی شاگردان را به حضور اجباری در کلاس درس وادار کند و اگر خود شاگرد نخواهد نمره و امتحانی در کار نیست ولی در فلسفه تربیتی اسلام همچنین نظری وجود ندارد. در واقع میتوان بزرگترین نقدی که به سارتر در این بخش وارد است جمله غفلت از نقش و جایگاه معلمان در تعلیم و تربیت می باشد.

نتیجه گیری

برایند مطالب ذکر شده چنین است که، بدون شک بین تعلیم و تربیت در همه سطوح تمامی دیدگاه های تربیتی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. اهمیت نقش تعیین کننده فلسفه ی آموزش و پرورش در فرایند یاددهی یادگیری و آگاهی از این موضوع در راستای نهادینه کردن اصول آموزش و به دنبال آن، ایجاد دگرگونی در نظام آموزشی و در سطح کلان در

جامعه، امری است که همواره مورد تاکید صاحب نظران، پژوهشگران و کنشگران گستره آموزش و پرورش بوده است. در بررسی های صورت گرفته چنین به نظر می رسد که هم ژان پل سارتر و هم فلسفه تربیتی اسلام هر دو بر آزادی انسان تاکید دارند ولی هر یک خط مشی مخصوص به خود را دارند.

اندیشه های سارتر به دلیل آنکه ساخت ذهن بشر است بدون شک ایراداتی دارد و یکی از ایراداتی که به آن می توان گرفت این است که تک بعدی است، یعنی درست است که به انسان ارزش و اهمیت می دهد ولی تمام ابعاد آن را در نظر نمی گیرد. سارتر تعلیم و تربیت را بیدار کردن فرد و آگاهی فرد می داند ولی فلسفه تربیتی اسلام اعتقاد دارد که تعلیم و تربیت باید انسان را با تمام ابعاد وجودی اش در نظر بگیرد و باید استعداد های وی را آشکار کند تا به هدف غایی تربیت یعنی قرب الی الله برسند. به گونه ای می توان گفت تمامی آرای تربیتی فلسفه اسلامی، رسیدن انسان به جایگاه والا و ارزش فوق العاده معنوی است.

اسلام از انسان به عنوان اصلی ترین موضوع تعلیم و تربیت می داند و تاثیر آن بر هدف و مبانی و اصول تعلیم و تربیت اسلامی بر هیچکس پوشیده نیست. انسان تربیت شده به آداب اسلامی تمام قوای خود را تحت سیطره عقل قرار داده و در نتیجه خردمندانه عمل نموده. به عمران جهان پیرامون خود میپردازد.

اما با توجه به مطالب جمع آوری شده اینطور به نظر برسد فلسفه تربیتی اسلام کامل ترین و بی نقص ترین دیدگاه تربیتی می باشد. دیدگاه اسلامی، همه جوانب را در نظر داشته و تعلیم و تربیت با این هدف که انسان را به تعالی و مقصد نهائی کمال، که همان رسیدن به درجه قرب الهی است برساند. بنابراین، دیدگاه های اسلامی به خاطر پیوند با منبع علم الهی، به صراحت می توان گفت که تنها نظریه کامل درباره تعلیم و تربیت می باشد. ژان پل سارتر و اندیشه های او چه در زمان حیات او و چه در عصر معاصر، دارای مخالفان زیادی می باشد و نقدهای فراوانی به او شده و حتی امروزه در دنیای غرب علی الخصوص فرانسه، از اندیشه های سارتر پیروی نمی شود.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابراهیم زاده عیسی (۱۳۹۲)، *فلسفه تربیت*، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- اخلاق بناری، مسعود (۱۳۷۸). *بررسی تطبیقی اصل مسئولیت و دلالت های تربیتی آن از دیدگاه مکاتب اگزیستانسیالیسم و اسلام*. پایان نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی محمد جعفر پاک سرشت. دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده روانشناسی
- اعرافی، علیرضا، مهری رمی، نقی (۱۳۹۷). «بررسی نقش مدارا در تعلیم و تربیت ارزش های عبادی با رویکرد فقهی»، *مجله مطالعات فقه تربیتی*، شماره دهم، ص ۱۱۱-۱۳۶.
- امن خانی، عیسی (۱۳۹۲). *اگزیستانسیالیسم و ادبیات معاصر ایران*، تهران: انتشارات علمی.
- امیر امینی خلف لو، مهناز (۱۳۹۷). «بررسی تعلیم و تربیت و رابطه آن با دیدگاه های مختلف فلسفی»، *سومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری*: تهران
- اوزمن، هوارد، کراور، ساموئل (۱۳۷۹). *مبانی فلسفه تعلیم و تربیت*، ترجمه غلامرضا متقی فر، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- باقری دادوکلائی، محمد (۱۳۹۹). «بررسی و مقایسه تعلیم و تربیت در ایدئولوژی لیبرالیسم و فلسفه تربیتی اسلام»، *ششمین کنفرانس ملی علوم انسانی و مدیریت*، تهران.
- _____ (۱۳۹۹). *مروری بر فلسفه تعلیم و تربیت*، ساری: انتشارات ماتيسا.
- _____ (۱۴۰۰). «بررسی تطبیقی تعلیم و تربیت در مکتب فلسفی اگزیستانسیالیسم و فلسفه تربیتی اسلام»، *همایش ملی علوم انسانی با رویکرد پژوهش های روانشناسی، علوم تربیتی و مشاوره از نگاه معلم*: هرمزگان، میناب.
- باقری، خسرو (۱۳۹۹). *نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی*، چاپ پنجاهم، جلد اول، تهران: انتشارات مدرسه.
- پرنیان، سحر، (۱۳۹۷). *بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، تهران: انتشارات فرزندگان دانشگاه.
- جرالد. ال. گوتک (۱۳۹۹)، *مکاتب فلسفی و آرای تربیتی*. ترجمه محمد جعفر پاک سرشت، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات سمت.
- خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۷۸). *مکاتب فلسفی و آراء تربیتی*، تهران: یادواره کتاب.

دهقانی سیمکانی، رحیم (۱۳۹۱). «نگاهی انتقادی به مبانی تفکر اخلاقی سارتر»، *مجله معرفت اخلاقی*، شماره ۲.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۷). *مفردات الفاظ القرآن*. ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران: انتشارات مرتضوی.

سارتر، ژان پل (۱۳۹۹). *اگزستانسیالیسم و اصالت بشر*، ترجمه مصطفی رحیمی، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات نیلوفر.

سبحانی نژاد، مهدی، عبدالله یار، علی، احمدآبادی آرانی، نجمه (۱۳۹۴). «بررسی و نقد نظام تربیتی سارتر با تأکید بر آرای تربیتی شهید مطهری»، *مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال بیست و سوم، شماره ۲۹: ص ۸۳-۱۰۶.

سیفی، فاطمه (۱۳۹۴). «تعلیم و تربیت در اسلام: چارچوب ها، مبانی، اصول، هدف ها و نتایج در نظام آموزشی اسلام»، *دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی*: تهران.

شریعتمداری، علی (۱۳۹۲). *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، چاپ پنجاه و هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

شریعتمداری، علی (۱۳۹۸). *تعلیم و تربیت اسلامی*، چاپ بیست و هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر. صفوی مقدم، ناژین (۱۳۹۱). «زمینه‌ها و پیشینه فلسفه‌های اگزستانس و برخی برداشت‌های ناصواب»، *مجله غرب شناسی بنیادی*، شماره سوم، ص ۳۹-۵۴.

صمدی، مریم، سلامی، نیکا، خان بیگی، مهدیه (۱۳۹۹). *اصول و فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: انتشارات مدرسان شریف.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۲). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، جلد سوم، تهران: انتشارات صدرا.

علوی، سید حمیدرضا (۱۳۹۴). *نکات اساسی در فلسفه تعلیم و تربیت و مکاتب فلسفی تربیتی*، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.

فولکیه، پل (۱۳۴۳). *اگزستانسیالیسم*، ترجمه ایرج پورباقر، تهران: کتاب فروشی تایید.

گرامی، غلامحسین (۱۳۸۸). «بررسی و نقد دیدگاه سارتر درباره ماهیت انسان»، *مجله اندیشه‌های نوین دینی*، شماره ۱۶، ص ۷۹-۱-۶.

- مظاهری، حسین (۱۳۷۱). *ویژگی های معلم خوب*، قم: تربیت معلم آیت الله طالقانی.
- مظفری پور، روح الله (۱۳۹۹). « مفهوم شناسی تعلیم و تربیت بر اساس نظریات فلسفی ژان پل سارتر»، *هفتمین همایش علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی ایران*: تهران.
- میکائیلو، غلامحسین ، سلطان القرائی، خلیل (۱۳۹۴). «اهداف و روش های تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام»، *فصلنامه تربیت اسلامی*، شماره چهارم، ص ۹۷-۱۲۱.
- نلر، جی اف (۱۳۹۴). *آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش*، ترجمه فریدون بازرگان دیلمقانی، تهران: انتشارات سمت.
- نوالی، محمود (۱۳۷۳). *فلسفه های اگزستانس و اگزستانسیالیسم تطبیقی*، چاپ اول، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.

Critique and survey of the educational & philosophical views of Jean- Paul sartre from the perspective of Islamic educational philosophy

Amir Hossain Sultanei fallah¹, Mohammad Bagheri davood kolaei²

Abstract

The purpose of this study is to critique the educational and philosophical views of Jean-Paul Sartre from the perspective of Islamic educational philosophy. Due to the nature and quality of this research, the research method is descriptive-analytical (documentary analysis). In this research, first Sartre's philosophical principles, then educational views from Sartre's point of view, and finally the teacher-student relationship from his point of view. In the next section, the philosophical principles of Islamic educational philosophy and then educational views from the perspective of Islamic educational philosophy and finally the relationship between teacher and student in the Islamic perspective are discussed. The results of the research indicate that Sartre's educational views are relativism, understanding the concept of freedom, individual learning, increasing the sense of responsibility, creative education, student activism, and according to Islamic educational philosophy, the goals of education are to cultivate thinking, servitude, piety, closeness. And Rezvan is to nurture and flourish the talents of learners and the good life. In the following and in the present study, in addition to examining educational views, we will deal with the philosophical principles and ideas of Sartre and Islam.

Keywords: Sartre, Islamic educational philosophy, educational views, philosophical

1. PhD student of Philosophy of Education, university of Shahed: Tehran. Iran.

2. Undergraduate student of Educational science, university of Farhangian ,Sari: Iran.